

تحول در مضمونسازی و ایجاد شگردهای بلاغی با اعلام جغرافیایی در سبکهای

عراقی و هندی

(ص ۹۳-۷۷)

موسی پرنیان^۱، شمسی رضایی (نویسنده مسئول)^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۵/۱۲

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده

در شعر فارسی علاوه بر بیکرانگی افق احساس و عاطفه، اقیانوسی از علوم و معارف گوناگون و تجربیات و اطلاعاتی موج میزند که نشان از پرباری ذهن و روح شاعران فرزانه ایران زمین دارد. دانش جغرافیا، همچون بسیاری از دانشهای دیگر، عرصه وسیع ادبیات را میدانی فراخ برای ظهور خود یافته است. از این رهگذر بسیاری از اطلاعات مربوط به سرزمینهای گوناگون آنچنان در بستر ادبیات جای گرفته که حتی با گذشت زمان و تغییر و تحول در گستره جغرافیایی و یا از بین رفتن بسیاری از آن جایها، هنوز نام و نشان و ردپایی از آنها را میتوان در مضامین شعری و آفرینشهای ادبی شاعران یافت. البته کاربرد اعلام جغرافیایی و مضمونسازی با آنها، در شعر شاعران هر دوره‌ای بگونه خاصی، متفاوت و متمایز با دوره‌های دیگر است و اگر از دیدگاه سبک‌شناسی به این موضوع نگاه کنیم، میبینیم که شاعران در هر یک از سبکهای خراسانی، عراقی و هندی تحت تأثیر محیط اجتماعی و فرهنگی خود، به شکلهای متفاوتی، با اعلام جغرافیایی تصویرآفرینی کرده‌اند. در این پژوهش، شگردهای بلاغی و مضمونسازیهای بدیعی که شاعران در دو سبک عراقی و هندی با استفاده از اعلام جغرافیایی پدید آورده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است و با توجه به ویژگیهای سبکی هر یک از دوره‌ها به لحاظ بکارگیری اعلام جغرافیایی و مقایسه آنها، به بیان شباهتها و تفاوتها موجود در میان این دو سبک پرداخته شده و صنایع ادبی بکار رفته در هر سبک بسامدیابی شده است.

کلمات کلیدی

اعلام جغرافیایی، مضمونسازی، سبک عراقی، سبک هندی، شگردهای بلاغی

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی sh_rezaee_na@yahoo.com

مقدمه

از دیرباز تاکنون شاعران و سخن‌سرایان بزرگ فارسی‌زبان، برای بیان اندیشه‌های خود دست‌بدامان عناصر مختلف طبیعی و فوق‌طبیعی شده و از انواع علوم و دانش‌های بشری در بیان مقاصد و دستاوردهای فکری خود بهره‌برده‌اند. جغرافیا نیز جزو علمی است که به صورت مختلف در شعر کلاسیک فارسی کاربرد داشته است و سراینده‌گان در این به‌این دانش‌گرایش ویژه‌ای از خود نشان داده‌اند و مخصوصاً از آن بعنوان یکی از عناصر سازنده مضمون‌های شعری و تصویرآفرینی‌های خود استفاده کرده‌اند و از این رهگذر اطلاعات و مطالب گرانقدری در مورد سرزمین‌های گوناگون در شعر و ادب پارسی راه یافته است. بکارگیری اعلام جغرافیایی همچون بسیاری دیگر از عناصر سازنده شعر شاعران، در دوره‌های مختلف سبک یکسان نیست و از آنجایی که در هر سبکی پشتوانه‌های فرهنگی خاصی مطرح است که در شناخت زیربنای فکری آثار آن دوره باید مورد توجه قرار گیرد (سبک‌شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۷۶)، در این زمینه نیز توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی سبک‌های عراقی و هندی در خلق تصاویر خیالی با اعلام جغرافیایی حائز اهمیت است که در جای خود به آن اشاره خواهد شد.

در این پژوهش با توجه به اوج تصویرآفرینی در دو سبک عراقی و هندی، بعنوان نمونه تعداد یکسانی از ابیات شعرای مشهور هر یک از این دو سبک که در آنها با استفاده از اعلام جغرافیایی تصویرسازی شده، انتخاب گردیده و از آنجایی که «سبک»، همیشه از طریق مقایسه قابل ادراک است» (صور خیال در شعر فارسی، شفیع‌ی کدکنی: ص ۳۷) با استفاده از روش مقایسه و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ویژگی‌های هر دو سبک از نظر کم و کیف کاربرد اعلام جغرافیایی در مضمون‌سازی و آفرینش صور خیال مورد بررسی قرار گرفته و نتایج در جداول و نمودارهایی نشان داده شده است و همچنین با توجه به اهمیت نقش «فرکانس» یا بسامد در ایجاد مختصات سبکی، از نظر بسامدی نیز به کاربرد انواع آرایه‌های ادبی در این دو سبک توجه شده است. غایت این پژوهش نشان دادن سیر تحول مضمون‌سازی با اعلام جغرافیایی در مقایسه دو سبک عراقی و هندی است. لازم به ذکر است که تا کنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است.

تحول در مضمون‌سازی با اعلام جغرافیایی در سبک عراقی

سبک عراقی از نظر تاریخی، دوره مغول و ایلخانی و تیموری را در بر می‌گیرد و از قرن هفتم تا اواخر قرن نهم ادامه دارد. ادبیات این دوره «ادبیاتی است درونگرا، عشق‌گرا، محزون و غیر رئالیستی که بیش از آنکه به آفاق نظر داشته باشد به انفس نظر دارد» (سبک

شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۰۶) از نظر مختصات ادبی در این دوره «توجه به بیان و بدیع زیاد میشود و شاعران به هنرهای گوناگون که هرگز در سبک خراسانی وجود نداشت دست می یابند». (سبک شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۶۰) در شعر این دوره که به دلیل حضور شاعران بزرگی چون سعدی و حافظ و مولانا یکی از پربرترین دوره های شعر و ادب فارسی محسوب میشود، قالب غزل رواجی تام دارد و بر غزل عاشقانه و عارفانه این عصر مفاهیم و مضامین وسیعی از وصال و فراق و وصف معشوق و بیان حالات عاشق و بسیاری چیزهای دیگر حاکم است که شاعر در بیان آنها دست بدامان انواع صور خیال گشته و از آن بخوبی بهره گرفته است. توصیف معشوق زیبارویی که در سمرقند یا شیراز یا ختن و بربر و بلغار مسکن دارد، ذهن شاعر را به سوی خلق تشبیهات و ترکیبات و استعارات زیبا سوق میدهد. از این رو تشبیه و استعاره، هر دو، در این دوره بسیار رواج می یابد. در تشبیهات این دوره معمولاً یکطرف تشبیه یا ترکیب، ذهنی و معنوی است و به جنبه های معنوی بیشتر توجه میشود. هر چند تشبیهات و ترکیبات محسوس نیز کم نیست؛ نمونه هایی از این قبیل تشبیهات و ترکیباتی که با استفاده از اعلام جغرافیایی در این دوره ساخته شده اند عبارتند از: فرات رزق، مصر فلک، مصر جمال، مصر جلالت، بغداد نیاز، کعبه عشق، کعبه طلب، کعبه فقر، دجله خون، زنگبار زلف و... .

آن <u>قلزم</u> زخار که عَمّان گهربخش	با موج کف او ز شمار شمار آمد (کلیات سلمان ساوجی: ص ۸۱) استعاره، اغراق
ما <u>طبیانیم</u> شاگردان حق	<u>بحر قلزم</u> دیده ما را فانلق (مثنوی: ج ۳/ ب ۲۷۰۰) تشخیص
نفس خود را میان حالت خویش	<u>غرقه</u> در <u>قلزم</u> خجالت خویش (حدیقه: ص ۱۰۵) تشبیه
<u>ریگ آمون</u> پیش او همچون حریر	<u>آب جیحون</u> پیش او چون آبگیر (مثنوی: ج ۳/ ب ۳۸۶۱) تشبیه، اغراق
جامی از شوق مقام تو نوایی که زند	بهر عشاق رهی راست بود سوی <u>حجاز</u> (دیوان جامی، ج ۱: ب ۵۰۰۰) ایهام تناسب
بیابانیست هایل <u>کعبه مقصود</u> را در ره	که بی قطع امید از خود بریدن نیست امکانش (همان: ب ۱۸۷) اضافه تشبیهی

هم قیلۀ امیدی و هم کعبۀ صفا (همان: ب ۸۱۸) تشبیه	روی توّجه همه آفایان به توست
از مژّه دجلۀ بغداد کنم بطحا را (همان: ب ۱۹۴۳) اغراق، استعاره	گر نیابم ز سر کوی تو در کعبه نشان
سر تا سر آفاق صدای جرس ما (همان: ب ۲۲۵۳) اضافه تشبیهی	ما قافله کعبۀ عشقیم که رفتست
روان دجله از وی شاد گشته (گل و نوروز خواجو: ب ۱۳۹۹) مضمونسازی، تشخیص	به خوبی طرفۀ بغداد گشته
شکر خواهی به خوزستان گذر کن (همان: ب ۳۷۴۹) مضمونسازی	گهر جویی سوی دریا سفر کن
هم آب روی دجله و هم باد نوبهار (کلیات سلمان ساوجی: ص ۵۳۲) لف و نشر، تشخیص	شد سرد و تیره بر دل و بر چشم روزگار
مرا دو دیده ز نم، دجله و فرات شود (دیوان جامی، ج ۱: ب ۴۲۱۱) تناسب، اغراق، تشبیه	ز رشک آنکه چرا کوزه لب نهد به لب
ربع را بر هم زخم اطلال را جیحون کنم (دیوان حافظ: غ ۳۴۹) اغراق	ای نسیم منزل لیلی خدا را تا به کی
دیده گو آب رخ دجلۀ بغداد ببر (همان: غ ۲۵۰) استعاره	سینه گو شعلۀ آتشکده فارس بکش
موصل به حریم وصل آن کعبۀ راز (دیوان جامی، ج ۱: ب ۹۳۶۰) اضافه تشبیهی، جناس	زین پیش رهی بود ز بغداد نیاز
سیل چشم دجله بارم گر شود با دجله یار (همان: ب ۴۸۶۰) اغراق، استعاره	چون سواد دیده ام دریا کند بغداد را
یمن سهیل شد سند دولت یمن (دیوان جامی، ج ۱: ب ۹۱۳) جناس، اسلوب معادله	یک خلق خوش ز هر که ببینی پسند کن
سهیل عرب بود و سهیل یمن (مخزن الاسرار: ب ۶۵۵) مضمونسازی، تشبیه	هندوک لاله و ترک سمن
مژده پیراهن یوسف ببر یعقوب را (همان: ب ۱۹۷۰) تلمیح	دیر میجنبد بشیر ای باد بر کنعان گذر

چه سود قافله <u>مصر</u> حسن یوسف را (همان: ب ۲۸۱۹) تلمیح	متاع عشق چو در کاروان <u>کنعان</u> است
تو یوسفی به <u>مصر</u> جلالت نهاده تخت (همان: ب ۸۹۴) اضافه تشبیهی، تلمیح	من غایب از جناب تو یعقوب ممتحن
از انجمن بصر فروشان (لیلی و مجنون نظامی: ص ۵۱۷) تشبیه	شد <u>مصرفلک</u> چو نیل جوشان
پلنگان شده کشته در پای نیل	روان سیل خون همچو دریای نیل (همای و همایون: ب ۳۵۷۸) تشبیه، اغراق
در آمد جادویی از حد <u>کشمیر</u>	به جادویی فرو بستش به زنجیر (گل و نوروز خواجوب: ب ۷۸۹) مضمونسازی
خیال زیرکی با خود مبر پیش خدا دانان	نبندد بار زیره آنکه باشد عزم <u>کرمانش</u> (دیوان جامی، ج ۱: ب ۲۷۶) تمثیل
زیره را من سوی <u>کرمان</u> آورم	گر به پیش تو دل و جان آورم (مثنوی: ج ۱/ ب ۳۱۰۹) مضمونسازی
دلی که حور بهشتی ربود و یغما کرد	کی التفات کند بر <u>بتان یغمایی</u> (گلستان، باب هفتم) جناس
از زنگبار زلف پراکنده لشکری	بر خویش جمع کرده به <u>یغما</u> همی رود (کلیات سلمان ساوجی: ص ۳۳۶) اضافه تشبیهی، ایهام تناسب
چو شاهنشاه صبح آمد بر اورنگ	سپاه روم زد بر لشکر <u>زنگ</u> (خسرووشیرین نظامی: ص ۲۴۰) استعاره، تضاد
غمی که چون سپه زنگ ملک دل بگرفت	ز خیل شادی روم رخت زداید باز (حافظ: غ ۲۶۱) تضاد، تشبیه
هر که را خوف و طمع در کار نیست	از <u>خطا</u> باکش نباشد وز <u>تتار</u> (کلیات سعدی: ص ۷۲۵) ایهام تناسب
آن ترک پرچهره که دوش از بر ما رفت	آیا چه خطا دید که از راه <u>خطا</u> رفت (حافظ: غ ۸۲) ایهام تناسب
قاصد رسید و ساخت معطر مشام من	در <u>چین</u> نامه داشت مگر نافه <u>ختن</u> (دیوان جامی، ج ۱: ب ۸۸۱) مضمونسازی، ایهام تناسب

فسانه است آنطرف در خوبرویی (خسرووشیرین نظامی: ص ۲۹۶) مضمونسازی	یکی گفت از <u>ختن خیزد نکویی</u>
چه جای چین که در روی زمین نیست (دیوان جامی، ج: ۱، ب: ۳۱۹۴) مضمونسازی	غزالی چون تو در صحرای <u>چین</u> نیست
که در <u>خوبرویان چین</u> و چگل (بوستان: ب ۳۲۲۷) تناسب، مضمونسازی	محقق همان بیند اندر ابل
به چین زلف تو ماچین و هند داده خراج (حافظ: غ ۹۷) تناسب، تشخیص، ایهام تناسب، جناس	دو چشم شوخ تو بر هم زده <u>خطا</u> و <u>حبش</u>
نگار <u>بربر</u> و <u>حور</u> پریزاد (گل و نوروز خواجوب: ۵۴۶) مضمونسازی، تناسب	نگارستان <u>چین</u> و <u>شمع</u> نوشاد
<u>خراسان</u> غیرت <u>چین</u> شد ز ترکان <u>سمرقندی</u> (دیوان جامی، ج: ۱، ب: ۸۳۵۵) مضمونسازی، تناسب	به یمن سایه چتر فلکسای خداوندی
که گفתי به جای سمر، قند داشت (بوستان سعدی: ب ۱۷۱۷) جناس	یکی شاهی در <u>سمرقند</u> داشت
<u>هندوی</u> دو <u>نرگس</u> سیاهت (کلیات سلمان ساوجی: ص ۵۰۲) تضاد، تشبیه، مضمونسازی	ترکان <u>سپید</u> روی <u>بلغار</u>
زین قند <u>پارسی</u> که به <u>بنگاله</u> می رود (حافظ: غ ۲۲۵) تناسب، مضمونسازی	شکر شکن شوند همه <u>طوطیان هند</u>
به <u>شوخی</u> و <u>فلفل</u> به <u>هندوستان</u> (بوستان سعدی: ب ۱۲۶) مضمونسازی، تمثیل	گل آورد سعدی سوی بوستان
چون تو را <u>کعبه</u> مقصود به <u>ترکستان</u> است (دیوان جامی، ج: ۱، ب: ۲۸۳۳) تناسب، اضافه تشبیهی	جامی از خاک <u>خراسان</u> چه کنی قصد <u>حجاز</u>
چوبفرستم به <u>هند</u> این تنگ <u>شکراز خراسان</u> ش (همان: ب ۲۹۸) تناسب، مضمونسازی	به شکرمن چوطوطی روح او <u>شکرشکن</u> گردد
یک بار <u>دگر</u> سوی <u>خراسان</u> گذری (همان: ب ۹۳۸۵) جناس	گویی چه شود گر <u>چو</u> <u>خور</u> <u>آسان</u> <u>آسان</u>

پس آنکه لب دُرُفشان برگشاد (همای و همایون: ب ۱۰۷۷) استعاره	به لعل بدخشان زمین بوسه داد
ز نهار بر آن ماه درخشان گذری (دیوان جامی، ج ۱: ب ۹۳۸۴) جناس	ای باد اگر سوی بدخشان گذری
بدخشان باشد و هر سنگپاره لعل رخشانش (همان: ب ۱۷۴) مضمونسازی	ز هرکس ناید این استاد شاگردی نه هرکوهی
صدای ناله تا اکنون سزد کز بیستون آید (همان: ب ۳۹۸) استعاره، تلمیح	چنان کوهی که بردل داشت فرهاد از غم شیرین
نالد ز درد، کوه جدا، کوهکن جدا (همان: ب ۲۲۹۶) عراق، تلمیح، تشخیص	در بیستون ز ناله من گر صدا فتد
ور کوه محنتم به مثل بیستون شود (کلیات سعدی: ص ۵۰۹) تشبیه، تلمیح	فرهادوارم از لب شیرین گریز نیست
البرز را چه باک ز سنگ فلاخن است (کلیات سلمان ساوجی: ص ۵۶) اسلوب معادله، تشخیص	حلم تو را به حمله دشمن چه التفات
ولیک بر همدان همچو کوه الوند است (همان: ص ۲۵۵) ایهام تناسب، تضاد، تشبیه	فراق بر دل نادان چو کاه برگی نیست
چشمه چشمه از جبل خون آمدی (منوی، ج ۲/ ب ۵۱۰) تشخیص - عراق	از من ار کوه احد واقف بُدی
آن وادی ایمن بود این نور تجلی (دیوان جامی، ج ۱: ب ۸۲۵۱) تشبیه، تلمیح	در کوی تو گر پرتوی از روی تو بینم
آتش طور کجا موعِد دیدار کجاست (حافظ: غ ۱۹) استعاره، تلمیح	شب تار است و وادی ایمن در پیش

تحول در مضمونسازی با اعلام جغرافیایی در سبک هندی

تأسیس سلسله صفویه و دینگرایی حاکمان صفوی و رواج تشیع، از عوامل مهم و موثر در پیدایش سبک هندی بود که بر زبان و ادبیات ایران در قرن یازدهم و نیمی از قرن دوازدهم سایه افکند. از نظر مختصات ادبی «شاعران سبک هندی و اصفهانی، مفاهیم و مضامین و عناصر صور خیال خود را از محیط اطراف خویش گرفته اند اما برخلاف شاعران قدیم فارسی آنها را همچون نقاشی چیره دست تصویر نکرده اند بلکه با خیالپردازی و نازک

خیالی خویش، آنها را آنچنان که خود خواسته اند به خدمت شعر خویش گرفته اند به همین سبب میان توصیفها و مضمونهای شاعران گذشته با اجزای طبیعت و محیط اطراف خود، با آنچه اینان آورده اند تفاوت بسیار است». (سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: صص ۴۳۳-۴۳۲) این تفاوت، در بحث نحوه کاربرد اعلام جغرافیایی در شعر شاعران این دوره، نیز دیده میشود. بگونه‌ای که اولاً تصویرآفرینی با اسامی خاصی همچون دکن، کابل، هند، کشمیر، کربلا، به دلایل گوناگون (که بعداً به آنها اشاره خواهد شد) با بسامد بالایی در شعر این سبک رواج می‌یابد و ثانیاً مضامین بکار رفته در شعر شاعران این دوره متأثر از شرایط خاص فرهنگی-اجتماعی بگونه‌ای متفاوت با دوره‌های پیشین است.

* کاربرد اعلام جغرافیایی در نمونه‌هایی از شعر سبک هندی

الف) مکانهای خاص جغرافیایی

کاوشی کرد جنون، قلزم زخار شدیم صائب (برگزیده اشعار...: پ ۳۲۹) تضاد	در کف عقل کم از قطره شب‌نم بودیم
غوطه درخون میدهی مارا از آن دریا می‌پرس گزیده‌ی اشعار صائب: غ ۱۲۱) اضافه تشبیهی	تیغ سیراب است موج قلزم خونخوار عشق
تخته مشق صد اندیشه باطل باشی (همان: غ ۱۸۲) استعاره-اغراق	کشتی تن بشکن، چند در این قلزم خون
بالین ز گرد بالش گرداب میکنی (همان: غ ۱۸۹) تلمیح، استعاره	در قلزمی که کشتی نوح است در خطر
خویش را بر قلزم بی رنگ وحدت میزنم (دیوان صائب: ج ۲، غ ۲۷۶۹) اضافه تشبیهی	چند هرساعت برون آید به رنگی قطره‌ام
از یک پیاله قلزم پرشور میشوم (همان: غ ۲۷۷۴) ایهام تناسب، تشبیه	از ساحل است لنگر من گر چه بیشتر
مرا داغ دل گم گشته از نو تازه میگردد صائب (برگزیده اشعار...: پ ۶۴۸) تشبیه، تلمیح، مضمونسازی	عزیزی هر که را در مصر هستی از سفر آید
عزیز مصر وجود از نوای خویش‌تتم صائب (همان: پ ۲۵۲) اضافه تشبیهی، تلمیح	به اعتبار جهان نیست قدر من صائب

- | | |
|---|---|
| تا بر محک تو را نزند سنگ کودکان | در مصر عشق قابل سودا نمیشوی
(دیوان صائب: ج ۲، غ ۳۱۶۵) اضافه تشبیهی |
| ای غاشیۀ شوق تو بر دوش نگاهم! | صد دجلۀ خون بی تو در آغوش نگاهم
حزین (برگزیده اشعار...: ب ۲۰۴۶) اغراق، استعاره |
| کرد طغرا چو حکایت ز کدورتگه هند | غم ایران چو نشاط دکن از یادم رفت
طغرای مشهدی (همان: ب ۱۵۳۹) اضافه تشبیهی، تناسب |
| اخراج مغول خواهم و تاراج قزلباش | کز هند برندم به نشابور فروشند
نظیری نیشابوری (همان: ب ۱۰۳۹) تناسب، مضمونسازی |
| کی ز حسن سبز در ایران توان شد کامیاب | هر که را طاووس باید رنج هندوستان کشد
سلیم (صائب و سبک هندی...: ص ۱۴۹) تمثیل |
| صائب از هند جگرخوار برون می‌آیم | دستگیر من اگر شاه نجف خواهد شد
(دیوان صائب: ج ۲، غ ۲۱۵۳) تلمیح، تشخیص، ایهام تناسب |
| چرا نخوانم دارالامان حادثه اش | که هند کشتی نوح و زمانه طوفان است
کلیم (سبک هندی و کلیم...: ص ۲۲) تشبیه، تلمیح |
| از سفیدی دیده یعقوب شد صبح امید | منزلی جز قصر شیرین نیست جوی شیر را
(دیوان صائب: ج ۱، غ ۲۱۷) جناس، ایهام، تلمیح |
| سنگ‌داغ فروغ چهره اوست | کوه طوری که کوه تمکین است
صائب (همان: غ ۵۸۰) تشبیه، تلمیح |
| ای کوه طور! گردن دعوی مکن بلند | آخر دل شکسته ما جلوه گاه کیست
صائب (برگزیده اشعار...: ب ۶۲۱) تشخیص، تلمیح |
| بیستون را الم مردن فرهاد گداخت | سنگ را آب کند داغ عزیزان دیدن
صائب (همان: ب ۸۹۳) اسلوب معادله، تلمیح، اغراق |
| ملک حسنت را کزان صبح تجلی گوشه ایست | لشکر خط قیروان تا قیروان خواهد گرفت
(دیوان صائب: ج ۱، غ ۱۰۴۴) مضمونسازی |
| خطبه او خوانده ام از شرق عالم تا به غرب | باج و خرج از قیروان تا قیروان آورده ام
(دیوان شاپور تهرانی: ص ۵۵۰) مضمونسازی |
| زنده میگردند از گفتار او دلمردگان | کلک صائب اصفهان را زنده رود دیگر است
(دیوان صائب: ج ۱، غ ۶۹۹) تشبیه، تناسب |

مدعی نگذاشت تا تیغش به حلق من رسد	<u>کربلای عشق</u> را شاه شهیدان تشنه است (دیوان شاپور تهرانی: ص ۲۲۸) اسلوب معادله، تشبیه، تلمیح
زبس لب تشنه وصل توام در وادی هجران	دهم تاخویش را تسکین به فکر <u>کربلا</u> افتم (همان: ص ۴۲۸) مضمونسازی، تلمیح
<u>کربلا</u> از لب من تشنگی از سر بگرفت	تب و تاب دلم از <u>دجله</u> بغداد نرفت (همان: ص ۲۶۹) تشخیص، تلمیح، مضمونسازی
جانم شهید تشنه و دل <u>کربلای عشق</u>	لعلش فرات خوبی و عالم سراب حسن (همان: ص ۴۶۷) تشبیه، تلمیح
صدفِرات از گریه جاری شد به هر وادی مگر	تشنه ای دیگر به <u>دشت کربلا</u> افتاده است (همان: ص ۲۱۷) تلمیح، اغراق، مضمونسازی

ب) مکانهای عام جغرافیایی

دامن <u>دشت عدم</u> گیاه ندارد	وای بر آن کس که زاد راه ندارد (دیوان صائب: ج ۲، غ ۲۱۰۳) تشبیه
گفتی که <u>میرود آب در جویبار قسمت</u>	من غیر رود گریه ، آب روان ندیدم طغرای مشهدی (همان: ب ۱۵۵۵) اضافه تشبیهی
من در <u>سجود بت ولی لبریز استغفار دل</u>	دامان <u>ز نعمت موج زن، دریای کفران</u> در بغل فصیحی هروی (همان: ب ۱۱۷۵) اضافه تشبیهی
<u>محیط عشق همه آب زندگیست مترس</u>	کسی است غرقه که او برکنار میماند کلیم همدانی (همان: ص ۹۲) تشبیه
گر من به تو <u>مربوط نیم، ربطی هست</u>	<u>دریای گناه را به دریای کرم</u> طغرای مشهدی (همان: ب ۱۶۳۳) اضافه تشبیهی
چون <u>باده میکند مست، ما را هوای باران</u>	<u>دریای نشأ خیزد، از قطره های باران</u> طغرای مشهدی (همان: ب ۱۵۶۸) اضافه تشبیهی
ما نه از <u>روستای عقلیم</u> و نه از <u>شهر جنون</u>	بی وطن چون <u>گردبادیم</u> ، از دیار ما میرس کلیم همدانی (همان: ب ۱۴۴۵) اضافه تشبیهی - تضاد
فریاد <u>میکنند جرس کاروان چرخ</u>	کز <u>شهر عیش بگذر و در دشت غم نشین</u> طغرای مشهدی (همان: ب ۱۵۶۸) اضافه تشبیهی - تضاد
از <u>فراموشان صیادم</u> ، ولی افتاده است	شور در <u>شهر قفس</u> تا من به دام افتاده ام دانش مشهدی (همان: ب ۱۷۷۷) اضافه تشبیهی

یک شهر فتنه بر سر راهم نشسته است	صد برق در کمین نگاهم نشسته است ناظم هروی(همان:ب:۱۸۸۹)اضافه تشبیهی
خسرو بیرحم را بنگر که با اظهار عدل	صد بیابان کوه غم را سر به یک فرهاد داد طغرای مشهدی(همان:ب:۱۶۰۲)تشبیه - اعراف
چه سیل بود که از کوهسار حادثه ریخت	که در فضای زمین گوشه فراق نماند (دیوان صائب:ج:۲، غ ۱۱۵۳)اضافه تشبیهی
کشور دیوانگی امروز معمور از من است	من پیا دارم بنای خانه زنجیر را (دیوان صائب:ج:۱، غ ۱۱۹)اضافه تشبیهی
اگر کوه گناه ما به محشر سایه اندازد	نبیند هیچ مجرم روی صحرای قیامت را (همان: غ ۱۷۸)تشبیه
قیامت میکند حسرت، مپرس از طبع ناشادم	که من صد دشت مجنون دارم و صد کوه فرهادم بیدل(شاعر آینه ها:ص:۴۷)تلمیح، اعراف
من که در صحرای خودکامی سراسر میروم	چون توانم جمع کردن این دل صد پاره را ؟ (دیوان صائب:ج:۱، غ ۲۱۰)اضافه تشبیهی
اگر قهرش به کین بحر خیزد	در آغوش صدف دریا گریزد کلیم(سبک هندی و کلیم:ص:۲۰۷)تشخیص، مضمونسازی
نجات غرقه بحر تعلق آسان نیست	مگر ز تخته تابوت برکنار افتد کلیم(همان:ص:۲۲۴)اضافه تشبیهی

مقایسه تحول در مضمونسازی با توجه به ابیات منتخب از دو سبک

شاعران در هر دوره‌ای، با توجه به موقعیتی که خود در آن قرار گرفته‌اند، استفاده از اعلام جغرافیایی را دگرگون نموده، بر اساس عواطف و احساسات و یا اطلاعات خود در مضمونسازی با اعلام، تحول ایجاد کرده‌اند. بعنوان نمونه، در سبک عراقی شاعری چون خواجه کرمانی در مضمونسازیهای خود، جادوگری را به کشمیر نسبت میدهد در حالی که شاعران سبک هندی، خوبی و خوش آب و هوایی آنجا را مورد نظر قرار داده، و یا با در نظر گرفتن مسئله کمبود نمک در گذشته کشمیر، مضمون میسازند. همچنین کشور هند که برای شاعران سبک عراقی یادآور طوطی و فلفل است، در ذهن شاعر دور از وطن سبک هندی، به شکل کدورتگاهی متصور میشود و یا از آن با تعبیر « هندجگر خوار» یاد

میکنند. نکته دیگری که در مورد تحول مضمونها جالب توجه است، مضمونسازیهای متأثر از دین مبین اسلام است که اگرچه در تمام دوره‌ها این موضوع دیده میشود، در دو سبک مورد مطالعه ما به طرز بارزتری جلوه میکند بویژه در سبک هندی کاربرد شهرهایی مثل کربلا و نجف در شعر شاعران علاوه بر داشتن بار معنوی و دینی، گرایش برخی از شاعران این سبک را به انعکاس احساسات شیعی خود نشان میدهد.

همچنین در سبک عراقی تصاویر تکراری شعری بیش از تصویرسازیهای جدید و ابداعی است در حالیکه با تأمل در ابیات منتخب سبک هندی مشاهده میکنیم که اگرچه در این سبک نیز تعدادی از تصویرسازیها با اعلام جغرافیایی، تکرار همان تصاویری است که در دوره‌های قبل به کار رفته اما میزان تصاویر و نیز ترکیبات بدیع و جدید همچون چین نارسایی، یونان صبح، کشور دیوانگی و... بیش از سبک عراقی است. نکته دیگر اینکه شاید به دلیل گستردگی حوزه زبان فارسی دری در سبک عراقی است - که تقریباً در تمام قلمرو جغرافیایی ایران قدیم گویندگانی داشته است - (سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو، غلامرضایی: ۲۴۴) تعداد و تنوع اعلام جغرافیایی به کار رفته در مضمونسازیها و آفرینشهای ادبی شاعران این دوره به نسبت سبک هندی - که منطقه جغرافیایی محدودتری را دربرگرفته است - بیشتر است.

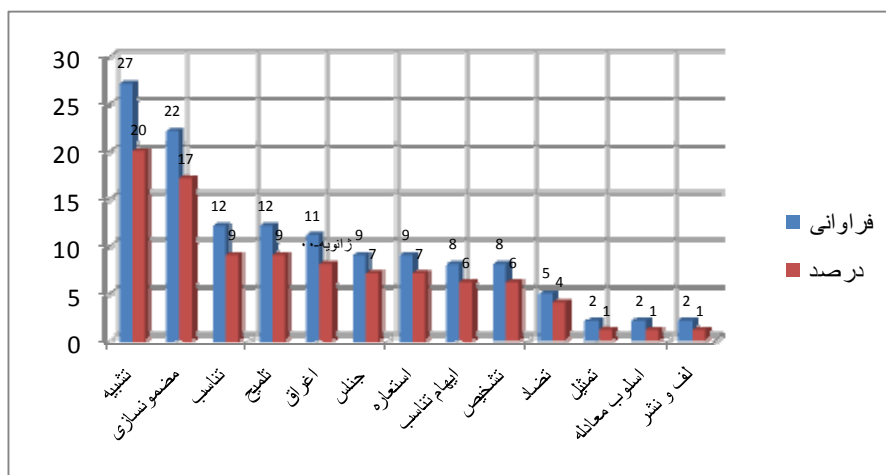
از سوی دیگر بکارگیری اسامی عام جغرافیایی نظیر کوه، دشت، دریا، رود، شهر، کشور و... در ایجاد تشبیهات و ترکیباتی همچون روستای عقل، شهر جنون، دریای کفران، جویبار قسمت، رود گریه، کوهسار حادثه، کشور دیوانگی، صحرای خودکامی و... در سبک هندی نسبت به سبک عراقی از بسامد بیشتری برخوردار است.

*** مقایسه مضمونهای بکار رفته با اعلام جغرافیایی در ابیات بررسی شده در دو سبک**

مضامین سبک عراقی	مضامین سبک هندی	اعلام
لعل	لعل	بدخشان
زیبارویی	_____	بربر
دجله و فرات	دجله و فرات	بغداد
زیبارویی	دوری	بلغار
لشکر، مشک	مشک	تاتار
مشک	مشک	تبت
زیبارویی	_____	ترکستان
زیبارویی، مشک	_____	چگل
سرزمین نقاشی و صورتگری. نافه چین،	نافه چین، نماد دوری	چین

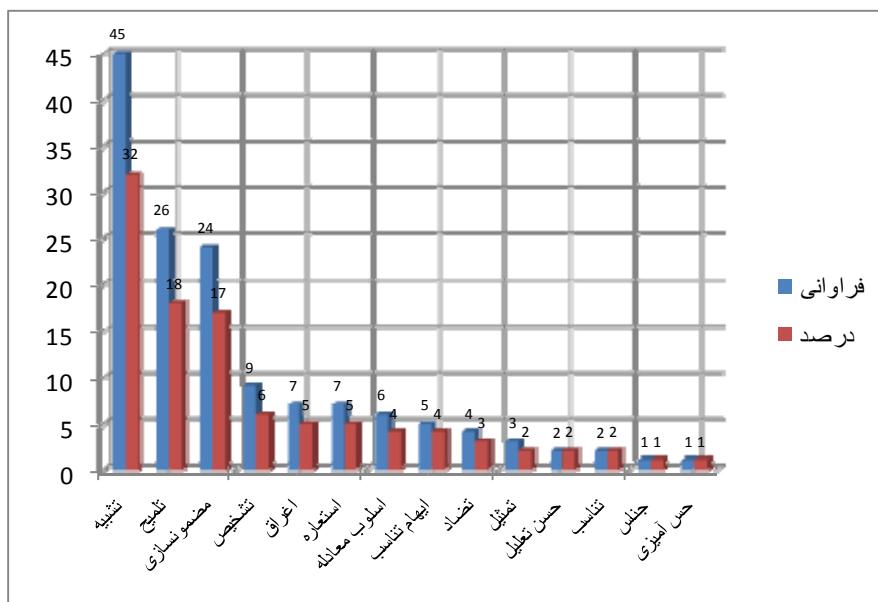
	نماد کافری ، نماد دوری: زیبارویی	
_____	نماد سیاهی	حبش
مشک	دوری، مشک، زیبارویی	ختا
مشک	زیبارویی، مشک	ختن
_____	بزرگی و عظمت	خراسان
خوبی، خوش آب و هوایی	_____	دکن
_____	نماد سفیدی: زیبارویی، لشکرروم	روم
سیاهی	لشکر زنگ. سپاه زنگ. نماد سیاهی	زنگ
_____	زیبارویی	سمرقند
دوری	دوری	قیروان
اشاره به واقعه کربلا	_____	کربلا
_____	زیره	کرمان
خوش آب و هوایی، کمبود نمک	جادوی کشمیر	کشمیر
داستان حضرت یوسف	داستان حضرت یوسف	کنعان
_____	دوری	ماچین
شکرونبات، عزیزمصر، رو دنیل	شکر و نبات مصری ، عزیزمصر ، رودنیل	مصر
طاووس ، کدورتگه	نماد سیاهی ، طوطی هند ، فلفل هندی	هند
_____	زیبارویی	یغما
عقیق یمانی	سهیل یمانی	یمن
منشأ فیوضات اهل اشراق	_____	یونان

نمودار شماره (۱) - فراوانی و درصد آرایه‌های ادبی در شعر سبک عراقی



• با توجه به نمودار بالا بیشترین درصد استفاده از صنایع ادبی در این سبک به تشبیه اختصاص یافته است. مضمون‌سازی در رتبه دوم و تناسب در رتبه سوم قرار دارد. در ابیات بررسی شده این سبک، سایر صنایع ادبی استعاره، تلمیح، تناسب، جناس و... نیز دیده می‌شود که نشان از کاربرد متنوع آرایه‌های ادبی در این سبک دارد.

نمودار شماره (۲) - فراوانی و درصد آرایه‌های ادبی در شعربک هندی



• چنانکه در نمودار بالا مشاهده میشود تشبیه بیشترین کاربرد را در این سبک دارد که معمولاً بصورت تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی) بکار رفته است. از آنجایی که «تشبیه اساس سبک هندی است» (سبک شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۹۸) و در شعر معنی گرای هندی، شاعران بدنبال خلق مضامین نو و بدیعند و همانطوری که قبلاً نیز اشاره شد از نظر مضمون برخی از این تشبیهات نظیر چین نارسایی و یونان صبح، تازه و نامأنوسند و برخی دیگر مانند کربلای عشق، کنعان شوق، گلشن کشمیر، کدورتگه هند، عشرت سرای کابل و گلشن ایران، تحت تأثیر باورهای دینی و محیط فرهنگی و اجتماعی شاعران ساخته شده اند. بعد از تشبیه، کاربرد آرایه تلمیح در رتبه دوم قرار دارد. دکتر شمیسا درباره کاربرد تلمیح در این دوره چنین میگوید: «از همه صنایع بیشتر، تلمیح مورد توجه شاعران این دوره است که در مضمونسازی نقش فعالی دارد و میتواند از مصالح کار باشد. اما البته از تلمیحات رایج استفاده میکنند و تلمیحات غریب نادر ندارند» (سبک شناسی شعر، شمیسا: ص ۲۹۹). لازم بذکر است که بیشتر تلمیحات در ابیات بررسی شده این سبک، اشارات دینی و مذهبی هستند. مضمونسازی در مرتبه سوم قرار دارد و از سایر آرایه‌های ادبی همچون تشخیص، اغراق، استعاره، اسلوب معادله نیز بمیزان قابل توجهی استفاده شده است.

نتیجه

از مقایسه نمونه ابیات بررسی شده در دو سبک عراقی و هندی به نتایج زیر دست می یابیم:

۱. بطور کلی، ایجاد شگردهای بلاغی با استفاده از اعلام جغرافیایی در سبک هندی بیش از سبک عراقی است. بگونه ای که در ۸۱ بیت انتخاب شده در سبک عراقی، ۱۲۹ آرایه ادبی و در همین تعداد ابیات سبک هندی ۱۴۲ آرایه دیده میشود.
۲. تنوع اعلام و مکانهای جغرافیایی بکار رفته در صورخیال شاعران در سبک عراقی به دلیل گستردگی جغرافیایی حوزه زبان فارسی در این دوره، بیش از سبک هندی است.
۳. در هر دو سبک آرایه تشبیه بالاترین بسامد را دارد.
۴. میزان کاربرد تلمیح در اشعار سبک هندی بیش از سبک عراقی است.
۵. آرایه های تمثیل و اسلوب معادله که از مهم ترین عناصر شعری سبک هندی هستند، در ابیات بررسی شده سبک هندی بیش از سبک عراقی بکار رفته اند.
۶. مضمونسازی که از ویژگیهای سبک هندی است در هر دو سبک از بسامد بالایی برخوردار است. با این تفاوت که برخی مضامین سبک هندی، تازه ترند.

۷. از آنجایی که قالب رایج در سبک عراقی غزل است و یکی از موضوعات مطرح شده در غزل، عشق و وصف معشوق و بیان حالات عاشقی است و مضامین شعری این سبک بیشتر پیرامون بیان همین موضوعات است، تصاویر خلق شده با اسامی جغرافیایی خاصی مثل روم، چگل، بلغار، ترکستان، بربر، یغما، سمرقند و... که به زیبارویی مردمان مشهور بوده‌اند، به نسبت سبک هندی بیشتر است. در حالی که در سبک هندی به علت توجه بسیاری از شاعران به موضوعات دینی و مذهبی، اشارات و تلمیحات و مضمونسازیهای دینی بیشتر دیده میشود.
۸. در هر دو سبک کاربرد انواع آرایه های ادبی و تنوع صور خیال در مضمونسازی دیده میشود.
۹. در هر دو سبک علاوه بر تأثیر فرهنگ و اجتماع در مضامین شعری، گستره جغرافیایی شاعران آن سبک نیز در کاربرد اعلام جغرافیایی بی تأثیر نیست مثلاً شاعران سبک عراقی در شعر خود از شهرهایی چون شیراز و بغداد و گنجه و... نام میبرند در حالی که شاعران سبک هندی در مضمونسازیهای خود، بیشتر از اعلامی مثل هند و کشمیر و کابل و دکن استفاده میکنند.
۱۰. در سبک هندی استفاده از اسامی کلی دریا، کوه، دشت، کشور، شهر، روستا، رود و... در تصویر آفرینی نسبت به سبک عراقی بیشتر است.

منابع

۱. احوال و آثار و شرح مخزن الاسرار نظامی گنجوی، زنجانی، برات، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
۲. برگزیده اشعار صائب و دیگر شعرای معروف سبک هندی، قهرمان، محمد، تهران: سمت، ۱۳۸۱
۳. بوستان، سعدی شیرازی، مصلح الدین، تصحیح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳
۴. حدیقه الحقیقه، سنایی غزنوی، ابوالمجد مجدود، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۹
۵. خمسه خواجه، خواجه کرمانی، کمال الدین، کرمان: انتشارات دانشگاه باهنر، ۱۳۷۰
۶. دیوان اشعار، تبریزی، صائب، دوره دو جلدی، به اهتمام جهانگیر منصور، تهران، نگاه، ۱۳۸۳
۷. دیوان اشعار، تهرانی، شاپور، تصحیح و تحقیق یحیی کاردگر، تهران، کتابخانه موزه و

- مرکز اسناد رسمی ، ۱۳۸۲
۸. دیوان اشعار ، جامی ، نورالدین عبدالرحمن ، مقدمه و تصحیح اعلاخان افصح زاده ، تهران ، مرکز مطالعات ایران ، ۱۳۷۸
۹. دیوان اشعار ، حافظ ، شمس الدین محمد ، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی ، تهران ، وزارت فرهنگ ، ۱۳۲۰
۱۰. دیوان اشعار ، خاقانی شروانی ، افضل الدین بدیل ، تصحیح سید ضیاء الدین سجادی ، تهران : زوار ، ۱۳۳۸
۱۱. دیوان اشعار ، سنایی غزنوی ، ابوالمجد مجدود ، تصحیح محمد تقی مدرس رضوی ، تهران ، صفی علیشاه ، ۱۳۳۶
۱۲. سبک خراسانی در شعر فارسی ، محبوب ، محمد جعفر ، تهران : سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی ، ۱۳۴۵
۱۳. سبک شناسی شعر ، شمیسا ، سیروس ، تهران : فردوس ، ۱۳۷۶
۱۴. سبک شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو ، غلامرضایی ، محمد ، تهران ، جامی ، ۱۳۷۷
۱۵. سبک هندی و کلیم کاشانی ، لنگرودی ، شمس ، تهران : مرکز ، ۱۳۷۲
۱۶. شاعر آینه ها ، شفیع کدکنی ، محمدرضا ، تهران : آگاه ، ۱۳۶۶
۱۷. صائب و سبک هندی در گستره تحقیقات ادبی ، دریا گشت ، محمدرسول ، تهران : قطره ، ۱۳۷۱
۱۸. صور خیال در شعر فارسی ، شفیع کدکنی ، محمدرضا ، تهران : آگاه ، ۱۳۶۶
۱۹. صور معانی شعر فارسی ، شجیعی ، پوران ، تهران : زوار ، ۱۳۶۲
۲۰. فرهنگ فارسی ، معین ، محمد ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۷۱
۲۱. کلیات اشعار ، عرفی شیرازی ، محمد ، تصحیح محمد ولی الحق انصاری ، تهران : دانشگاه تهران ، ۱۳۸۷
۲۲. کلیات خمسه نظامی ، نظامی گنجوی ، الیاس ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۶
۲۳. کلیات سعدی ، سعدی شیرازی ، مصلح الدین ، تصحیح فروغی ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۷
۲۴. کلیات سلمان ساوجی ، ساوجی ، سلمان ، مقدمه و تصحیح عباسعلی وفاپی ، تهران : سخن ، ۱۳۸۹
۲۵. گزیده اشعار صائب تبریزی ، شعار ، جعفر و موتمن زین العابدین ، تهران : چاپ و نشر بنیاد ، ۱۳۷۰
۲۶. لغت نامه ، دهخدا ، علی اکبر ، تهران : انتشارات سازمان لغت نامه ، ۱۳۵۲
۲۷. مثنوی معنوی ، مولوی ، جلال الدین محمد ، تصحیح نیکلسون ، تهران : امیر کبیر ، ۱۳۶۵